

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت کتابخانه
۳۰

باسمه تعالی

دانشگاه امام صادق (ع)
دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی

۱۳۴۶
مرکز مطالعات و تحقیقات علمی ایران
تعمیرات مرکز

" مبانی فقهی احتکار "

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما: حجه الاسلام والمسلمین سید حسن طاهری خرم آبادی

اساتید مشاور

" حجه الاسلام والمسلمین غلامرضا محباحی "

" دکتر حمید بهرامی احمدی "

نگارش از: مرتضی حاجی شفیعی

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته

رشته معارف اسلامی و اقتصاد

" اسفندماه ۶۹ "

2158

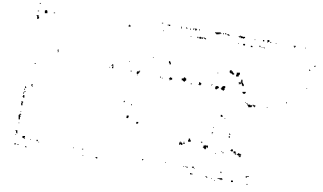
۱۳۵۳

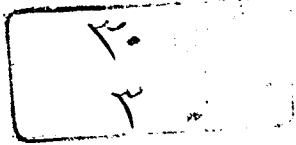
دسترسی به این مدرک بر پایه آیین نامه ثبت و اشاعه بین المللی دانشگاه امام صادق (ع) و رساله های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایراندک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوطه می باشد.

باسمه تعالی

دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی مسئول عقایدی که نویسنده در این پایان نامه اظهار کرده

است، نمی باشد.





بِسْمِ تَعَالَى

پیشگفتار:

امروزه یکی از مهمترین موضوعاتی که میبایستی در سطح کشور عزیز جمهوری اسلامی ایران مطرح گردد مسئله اقتصاد اسلامی است. در این زمان در این زمان شکوفائی اقتصاد اسلام، نیاز به تلاشهای فراوانی دارد که به حول و قوه الهی، شمره آن کوششها، سیستم اقتصادی اسلام را تبیین می نماید. اگر ضرورت تشکیل چنین سیستمی در جامعه محققین و اندیشمندان بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد، انشاء الله در آینده شاهد تحولات کیفی در زمینه سیستم اقتصادی کشور خواهیم بود.

بهر حال خداوند را سپاسگزارم که به حقیر توفیق نگارش این پایان نامه را که به روح پرفتوح تمامی شهدای عزیز انقلاب به ویژه امام شهیدان خمینی کبیر قدس سره القدوسی، تقدیم میدارم، مرحمت نمود. امید است دانشجویان عزیز نیز، همت والای خویش را در زمینه به شرح رساندن چنین مکتب پرارزشی (مکتب اقتصادی اسلام)، مصروف بدارند و در این خصوص گام مناسبی را برای هر چه بهتر پیاپی شدن احکام الهی بردارند.

در خاتمه از رهنمودهای اساتید محترم و سروران بزرگوارم حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید حسن طاهری خرم آبادی، حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای غلامرضا مصباحی و جناب آقای دکتر حمید بهرامی احمدی کمال تشکر را دارم و از خداوند منان، توفیقات روز افزون آنان را خواستارم.

وما توفیقی الا باللہ علیہ توکلت

والیہ انیب

اول آذرماه ۱۳۶۹

مرتضی حاجی شفیعی - دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

۱۳۰۱۳

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
۸	فصل اول : توضیحی پیرامون مفهوم و حکم اختکار
۸	(۱-۱) مفهوم اختکار در لغت
۱۰	(۱-۲) مفهوم اصطلاحی اختکار
۱۲	(۱-۳) حکم اختکار
۱۶	فصل دوم : بررسی حکم اختکار
۱۶	(۲-۱) قائلین به کراهت و حرمت
۱۶	(۲-۲) ادله قائلین به کراهت
۱۹	(۲-۳) ادله قائلین به حرمت
۴۲	فصل سوم : بررسی موضوع اختکار
۴۳	(۳-۱) مصادیق اختکار
۵۱	(۳-۲) مصادیق طعام
۵۲	(۳-۳) عدم تحقق اختکار در متاع، بر اساس صحیحہ حلبی
۵۴	فصل چهارم : احکام آثار مترتب بر وقوع اختکار
۵۴	(۴-۱) بررسی حکم اجبار بر فروش
۵۷	(۴-۲) بررسی حکم تسعیر
۶۷	فصل پنجم : بررسی حکم حکومتی اختکار
۶۹	(۵-۱) دلایل لزوم تهیه و پیشنها د طرح اختکار
۷۰	(۵-۲) گزارش طرح مذکور
۷۸	(۵-۳) قانون اختکار، مصوب مجلس و شورای نگهبان
۸۱	فصل ششم : بررسی اقتصادی اختکار
۸۲	(۶-۱) تعریف اقتصادی اختکار.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۸۲	۶-۲) تفاوت بین احتکار و انبساط پذیری
۸۴	۶-۳) تقسیم بندی بازاریها و احتمال وقوع احتکار در آنها
۸۷	۶-۴) الگوی انبساط پذیری و احتکار
۹۲	۶-۵) عوامل زمینه ساز احتکار
۹۷	۶-۶) راههای مبارزه و نحوه جلوگیری از احتکار
۱۰۲	۶-۷) نتایج حاصل از جلوگیری از احتکار
۱۰۳	جمع بندی
۱۰۵	کتابنامه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

اخلاق اقتصادی اسلام، به هیچ وجه، به انسانها اجازه احتکار را نمی دهد، زیرا که آنها عملی مرجوح و زشت می دانند. انسان در نظام اقتصادی اسلام، محورا اصلی و شکل دهنده فعالیتها ی اقتصادی-اجتماعی می باشد. اگر اخلاق اقتصادی اسلام، بطور همه جانبه رعایت گردد، خلا موجود در دنیا زهای انسانی کاملاً برطرف می گردد و جامعه بسوی تکامل حرکت می نماید. عامل اخلاقیات اقتصادی اسلام است که رفتار اقتصادی فرد را تنظیم و کنترل می کند. پول، ثروت و سرمایه نیز از همین طریق کنترل می شوند. ثروت و سرمایه از کلماتی هستند که معمولاً در کنار هم استعمال می شوند ولی باید توجه داشت که دو مفهوم متفاوت از یکدیگر می باشند. ثروت به هر شیئی مفید، دارای اثر و ارزش اطلاق می گردد، در حالی که سرمایه، اصطلاحاً به مالی گفته می شود که در مسیر تجارت و تولید قرار گیرد. پس اگر ثروت از طریق صحیح بدست آید و در مسیر درست نیز مورد استفاده قرار بگیرد، در این صورت تبدیل به سرمایه ای خواهد پسندانه خواهد شد. ما در اسلام، در خصوص ثروت و سرمایه، علاوه بر اینکه به اصل سرمایه، احترام قائل می باشیم، در بهره برداری و نگهداری از سرمایه، محدودیتها یی را قائل می باشیم که در این صورت با غصب و شریک، فاصله بسیار زیادی پیدا می کنیم. خداوند رحمان در قرآن

مجید میفرماید: (۱) **الدين يكتزون الذهب والفضه ولا ينفقونها في سبيل الله فيشرهم بعذاب اليم . بيا مبرما ، عذاب دردناك في بشارت بده به كسا نيکه ظلا ونقره را كنزمي كنند و در راه خدا انفاق نميكنند.** در بدايت امر ، آنچه كه از ظاهرايه استفاده مي شود ، آنست كه تمرکز ثروت به خودی خود ممنوع نيست و در صورت نياز جامعه و يا حكومت به ثروت فوق الذكر ، تمرکز ثروت ممنوع مي گردد . در آيه آمده است : " ولا ينفقوا في سبيل الله " ، پس معلوم ميگردد كه مورد كلام ، سبيل الهي است كه نياز به تقويت از طريق ثروت هاي افراد جامعه دارد . حال بايد توجه نمود كه سبيل الله ، مفهومی عام بوده و بسيار وسيع مي باشد ، يعنى اينطور نيست كه اختصاص به موارد محدودی داشته باشد . افزايش توليد در جامعه ، چیزی نيست كه فقط در يك زمان خاص ، مورد نياز جامعه و يا حكومت باشد و بلكه در هر زمانى ، جامعه نياز به توليد و افزايش آن دارد . واين مورد بنوبه خود ، نوعی انفاق در "سبيل الله" مى باشد . انفاق كردن ثروت ، براى از بين بردن اقسام فقر از قبيل آموزشی ، فرهنگى ، اجتماعى ، علمى ، تربيتى ، اخلاقى و ... ، از مصاديق انفاق در سبيل الله مى باشد كه در هيچ زمانى به انتهاى نمى رسد و نياز به انفاق در هر روز ، نسبت به روز قبل ، بيشر مى گردد . وجود مقدس حضرت امير عليه السلام ميفرمايند : **ان الله فرض في اموال الاغنيا اقوات الفقراء فما جاع فقيرا الا بما منع غنى ، والله تعالى جده سائلهم عن ذلك (۲) .** خداوند متعال روزی فقراء را در اموال ثروتمندان ، واجب

۱- سوره توبه ، قسمتی از آيه ۳۴ .

۲- سيدرضی ، نهج البلاغه ، ترجمه على نقی فيض الاسلام ، ص ۱۲۳۲ .

و مقرر گردانیده و در هر کجا فقیری گرسنه بماند، بدان جهت است که ثروت مندی حق او را نپرداخته، ولی خدای بزرگ، اغنیاء را در این مورد، در معرض مواخذه قرار خواهد داد. متمولین حق ندارند، فقط به فکر خود باشند و جا معهای را که در آن زندگی می کنند، فراموش نمایند. پیا میرعا لیقدر اسلام در مقام مقایسه میان فقر و غناء و اینکه کدامیک برای سعادت انسان بهتر است میفرماید: "الفقر خیر من الغنی الا من حمل فی مغرم و اعطی فی نائبه (۱)"، تهیدستی از ثروت بهتر است، مگر ثروت مندی که از مال خود، قرض اشخاص پیریشان حال و مقروض را اداء کند و آنرا از زیر بار قرض و فشار زندگی نجات دهد و با ثروت خود، به مسلمانان بی بضاعت و گرفتار کمک نماید. پس می بینیم با آمدن ثروت، مسئولیت نیز سنگین می گردد و باید صاحبان ثروت، خود را برای خدمت به جامعه اسلامی مهیا سازند. بنا بر این آنچه که از مطالب ارائه شده استفاده می نمایم، آنست که گناه انباشت سرمایه، ولو اینکه از طریق مشروع نیز بدست آمده باشد، ممنوع می باشد و باید در مسیر خیر از قبیل تولید و... مصرف گردد.

امام صادق علیه السلام در روایتی میفرماید: ما یظف الرجل بعده شیئا اشد علیه من المال المامت، قال قلت له کیف یضع؟ قال یجعل فی الحائط والبستان والدار (۲)، از چیزی که انسان بعد از خودش باقی می گذارد، امری سخت تر از مال مامت نیست (مال مامت، مالی است که در یکجا را کدیمانند)، سپس راوی سؤال می کند، با آن مال چه کند تا را کنندمانند؟ حضرت می فرماید: آن را در حائط (باغچه)، بستان

۱- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، الجامعه لدراخبا والائمه

الاطهار، چاپ دوم، جلد ۷۲، موسسه وفاء، بیروت، ص ۵۶.

۲- مرکز مطالعات اقتصا د اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، تفسیر آیات

اقتصادی قرآن، آیه الله مهدوی کنی، قسمت دوم، ص ۱۰۹.

و خانه قرار دهد، یعنی آن مال را در جریان تولید قرار دهد. در آن زمان تولید به ساختن حائط، بستان و خانه اطلاق می شده است. پس در اصل مالکیت خصوصی سرمایه گذاری در بخش خصوصی، هیچگونه شکالی وجود ندارد ولی آنچه که مورد اشکال است، طریقه تحصیل و مصرف غیر صحیح سرمایه و انباشت آن می باشد.

خداوند متعال در قرآن مجید میفرماید: **و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و اتیتم احدیهن قنطرا فلانا خذوا منه شیئا**، تا خذونه بهتانا **و ائما مبینا^(۱)**، و اگر خواستید زنی را رها کرده و بجای او زنی دیگر، اختیار کنید و مال بسیاری را بر او مهر کردید، نباید چیزی از مهر او را باز گیرید. آیا بوسیله تهمت زدن بزن مهر او را می گیرید؟ و این گناهی فاش و زشتی این کار، آشکارا است. قنطرا به پوست گاو که پرا زطلا باشد، اطلاق می گردد. در اینجا قرآن فرض کرده است که فردی می تواند به اندازه یک قنطرا، طلا داشته باشد و بدین ترتیب سرمایه از نظر کمیست هیچگونه محدودیتی نداشته و بلکه از نظر کیفیت محدودیت دارد. هر چه را که قرآن نقل می کند و آن را نفی نمی کند، دلیل بر ابراء می باشد، یعنی موضوع مورد بحث، صحیح و مورد قبول می باشد. پس اگر فردی چنین ثروتی را داشته باشد، فرد دیگری نمی تواند آن را از او بگیرد و او مالک آن مال باقی می ماند. احتکاریکی از طرفی است که افراد می توانند با توجه به آن، ثروت های خود را، دو جندان برابر کنند. انسان مسلمان، ثروت خود را در راه تولید و افزایش آن مصرف می دارد و از به کارگیری آن در مسیر احتکاری که اخلاقاً زشت و ناپسند است، جلوگیری

بعمل می آورد، فقر و غنی، هر دو امتحاناتی از جانب خداوند متعال، برای بندگانش می باشد. در اثر تعالیم الهی چنین مکتبی است که پیروان تربیت شده آن، از سیر کردن گرسنگان و محرومان، از پوشاندن برهنگان و بینوایان و از کمک کردن به هموعیان خود، لذت می برند.

شهید مطهری با نقل از ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می نویسد " روزی وجود مقدس پیا مبرا کرم در میان اصحاب صفه رفتند و یکی از آنها گفت: یا رسول الله، من در نفس خودم، این حالت را احساس می کنم که اصلاً تمام دنیا و ما فیها در نظر من بی قیمت است، یعنی نمی تواند مرا بسوی خودش بکشد. سپس حضرت نگاه کرد و فرمودند: اذا انت، سرت حرا، اگر اینطور باشی، مرد آزادی هستی! " (۱)

فردی که آزاد است، به هیچ وجه نسبت به محیط و زندگی خود، بی اعتنا نمی باشد، زیرا در اسلام، آزادی فردی، با آزادی اجتماعی، هیچگونه تباینی نداشته و این دو آزادی در طول یکدیگر بوده و آن چیزی که آنها را بهم، پیوند داده است، همان وجدان اجتماعی و احساس مسئولیت می باشد.

شهید سید محمد باقر صدر، آزادی اقتصادی در کا در محدود ارزشهای معنوی و اخلاقی اسلام را، یکی از اصول اقتصاد اسلامی می داند. (۲) پس حکومت اسلامی می تواند، با تدبیرات خاص خود، آزادی اقتصادی را در

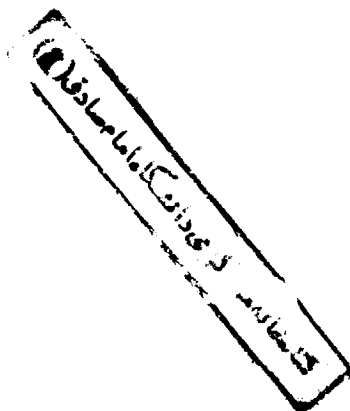
۱- شهید مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، چاپ اول، انتشارات صدرا، تابستان ۱۳۶۸، ص ۲۸.

۲- دکتر بنیاء رضوی، مهدی، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، اردیبهشت ۶۷، ص ۲۱۵.

جامعه اسلامی، پرورش دهد و زمینه لازم برای اجرای احکام الهی را فراهم آورد. اگرچه شرق در بیانات خود، الفاظ عدالت اجتماعی، سعادت و... را بکار می برد ولی تعریفی که در این مکتب و سایر مکاتب از این الفاظ می شود، نشأت گرفته از افکار غیر اسلامی می باشد و در واقع تحقق یافتن عدالت اجتماعی و... به قیمت پستی، رذالت شقاوت و ذلت انسانها تمام می شود. پس آنچه که برای شرق و غرب مهم است، مسئله آزادیخواهی بی حد و حصر می باشد. سرمایه داری غرب، برای اینکه بتواند به قدرت و رفاه اقتصادی و سیاسی نائل آید، به علت بوجود آورنده آن، که همان آزادی می باشد، تمسک مینماید. نکته مهم در اینجاست که غرب و شرق، در مفهوم آزادی دچار اشکال شده اند و بر اساس آن برداشت غلطی که همان زیربنا می باشد، روبناهای غلطی را ارائه داده اند. حال که شرق و غرب میخواهند به چنین قدرت و رفاه هی دستیابی حاصل نمایند، دیگر انسان کشی، دزدی، جپاول، وجدان و... برای آنان مطرح نمی باشد و سعی می کنند، کوتاهترین و راحتترین راهی را که منتهی به سرمنزل مقصود می باشد را، طی نمایند. آنان به آسانی می توانند از طریق انحمارواحتکار، با تشکیل دادن تراستها و کارتلها و یا حتی با ایجاد باندهای احتکاری، به اهداف از پیش تعیین شده خود، برسند. بدین ترتیب ملاحظه مینمائیم که جایگاه احتکاری که با ظلم و ستم توأم می باشد، در نظامهای غرب و شرق است و از آنجمله سرچشمه می گیرد و ارتباط مستقیم با مبانی آنها دارد و در نظام مقدس اسلامی، هیچگونه جایگاه مثبت و باارزشی، نمی تواند برای خود داشته باشد، زیرا اخلاق اسلامی، همواره با احتکار در تضاد می باشد.

بنای این رساله نیز، بر آنست که تحقیقی پیرامون حکم شرعی
احتکار از نظر فقهای عظام و آثار مترتب بر آن، صورت پذیرد.

۰۰



فصل اول : توضیحی پیرامون مفهوم و حکم احتکار :

در این فصل به معنی و مفهوم احتکار از نظر لغت و معنای اصطلاحی فقهی آن اشاره می‌کنیم و بطور جداگانه، هریک را مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس به توضیح حکم احتکار می‌پردازیم :

۱-۱) مفهوم احتکار در لغت :

اهل لغت، مفهوم احتکار را بصورت ذیل بیان داشته‌اند :

۱- المنجد: (۱)

احتکاری یعنی اینکه، کسی چیزی را جمع کند و آن را حبس نماید و انتظار داشته باشد که گران شود و سپس آن را با قیمت بالا و زیاد بفروشد.

۲- لغت نامه: (۲)

غله انداختن و گران فروختن، بگانه‌گرانی را احتکار گویند.

۱- لوئیس، معلوف، المنجد، چاپ ۲۶، چاپخانه کاتولیکی بیروت ۱۹۶۰م

ص ۱۴۶

۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپخانه دولتی ایران، اسفند ۱۳۳۷،

ص ۱۰۵۷

احتکار یعنی نگاه داشتن غله، تا به گرانی بفروشد (منتهی الارب)
احتکار یعنی غله را به نیت گرانی جمع کردن (غیاث) . نگاهداری طعام
و خوراک ، به جهت گران شدن و قحط شدن را احتکار گویند (تعریفات
جرجانی) . مولف کشف اصطلاحات الفنون ، احتکار ، با زداشت چیزی
است ، برای آنکه پس از گران شدن قیمت آن ، بفروش برسانند .
احتکار شرعا خریداری خوار و با آدمی و بهائیم و با زداشت آن تا زمان
گران شدن می باشد . خوار با آدمی عبارتست از برنج ، ذرت ، گندم ،
جو و امثال آن ، جز عسل و روغن که از خوار با ر مستثنی است و قوت بهائیم
نیز ، گاه وجود ما نند آن میباشد . مدت با زداشت را برخی ، جهل روز گفته
و پاره ای یکماه دانسته و بعضی ، زیاده از سال را نیز تعیین نموده اند .
این مدت های تعیین شده در مقابل کیفیت که در عرف باید متحمل شوند
و الا این عمل ، شرعا حرام است و مرتکب آن ، مرتکب گناه می باشد ،
خواه مدت را کم و یا زیاد قرار دهد . احتکار با مقرر تیکه در شرع است ،
امری غیر مجازی باشد . بعضی در احتکار شرط دانسته اند ، هنگامی که
جنسی گران شد ، با مید آنکه گرانتر شود ، آن را خریداری کنند ، چنانکه
در اختیار آمده است . پس اگر در ارزانی ، جنسی خریداری شود و زیانسی
هم به مردم نرسد ، در احتکار جنس حرجی نیست .

۳- لسان العرب : (۱)

"الحکر" ، انداختن طعام به انتظار گرانی است و عامل ایسن

۱- علامه ابن منظور ، لسان العرب ، جلد ۴ ، نشر ادب الحوزه ، محرم ۱۴۰۵

عمل، محتکر می باشد. ابن سیده می گوید: احتکار، جمع نمودن طعام و مانند آن از ماکولات و حبس آنها به انتظار وقت گرانی آنهاست. اینک در حدیث آمده است: "من احتکر طعاما فهو کذا"، یعنی کسی طعام را بخرد و حبس کند، برای اینک کمیاب شود، تا قیمتش گران گردد. "حکرو" "حکوه"، اسم مصدر است و "حکوه"، "حکره"، "حکرا"، یعنی ستم بر او روا داشت و تحقیرش کرد و طرز معاشرتش بد بود. از زهری گفته است: "حکر"، به معنی ظلم و در تنگنا قرار دادن و بد معاشرتی است و گفته می شود، فلانی در حق فلانی، "حکر"، انجام می دهد، یعنی دشواری و زیان در معاشرت و معیشت او وارد می سازد و "حکر" لجاجت است.

۱-۲) مفهوم اصطلاحی (فقهی) احتکار:

فقهای بزرگوار، رضوان الله تعالی علیهم اجمعین، معنی و مفهوم احتکار را به صورت ذیل بیان نموده اند:

۱- شیخ طوسی: (۱) احتکار، حبس گندم، جو، خرما، کشمش و روغن و امساک آنها از فروش می باشد.

۲- علامه حلی: (۲): احتکار، عبارتست از حبس گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و نمک در صورتیکه دارای دو شرط باشد: الف) آنها را به قصد گران شدن، نگاهداری نمایند. ب) غیر از این موارد مذکور، در شهر وجود نداشته باشد و کسی آنها را در معرض فروش قرار ندهد.

۱- شیخ طوسی، ابی جعفر، محمد بن حسن بی علی، النهایه، ج ۲، دارالکتب

العربییه، ۱۴۰۰ هـ. ق. ص ۳۷۴.

۲- علامه حلی، جمال الدین ابی منصر الحسن بن یوسف بی علی المطهر

ایضاح الفوائد، ج ۱، اول، جلد اول، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان،

۱۳۸۷، ص ۴۰۹.

۳- شیخ انصاری^(۱): جمع طعام و نگهداری آن، به انتظار اینکه گمران شود را احتکار می گویند.

۴- آیه الله خویی^(۲): حبس کالا و امتناع ورزیدن از فروش آن، به جهت اینکه قیمت آن افزایش پیدا کند، در صورتیکه مسلمین، به آن نیاز داشته باشند و با ذلی نیز، برای این کار، وجود نداشته باشد را، احتکار می گویند.

۵- امام خمینی^(۳): احتکار، نگاهداری طعام، برای گران شدن میباشد

۶- آیه الله منتظری^(۴): مفاد احتکار، بحسب اصل و وضعش، عبارتست از جمع چیزی که مردم به آن نیاز داشته باشند و به هر وسیله ای که شده است، آن چیز حبس کرده شود و مردم از استفاده آن، منع گردند. در این صورت می توان گفت، جنین عملی، ملازم بالجابت، ظلم ویدی معاشرت می باشد، یا اینکه می توان گفت، اصل در احتکار، همان ظلم و سوء استفاده می باشد و سپس این لفظ، در حبس آنجه که مردم به آن نیاز دارند، استعمال شده است، زیرا که بارزترین مصداق ظلم می باشد. به هر حال، این لفظ بر حسب مفهوم، نسبت به آنجه که مردم به آن نیاز

۱- شیخ انصاری، مرتضی، المکاسب، ج ۲، چاپ دوم، چاپخانه اطلاعات تبریز،

تبریز، ۱۳۷۵ ه. ق. ص ۲۱۲.

۲- آیه الله خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، چاپ چهارم، جلد دوم،

۱۳۹۴ ه. ق. ص ۱۴.

۳- امام خمینی، روح الله، کتاب البیع، جلد سوم، موسسه مطبوعه تسمی

اسماعیلیان، ص ۱۰۵.

۴- آیه الله منتظری، حسینعلی، در اسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله

الاسلامیه، چاپ اول، جلد دوم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸، ص ۶۱۴.

دارند، عام می باشد و منع استفاده دیگران از کالای حبس شده، باعث ظلم و کمبودی می گردد و احتکار، اختصاصی به طعام ندارد. اینکه می بینیم در بعضی از موارد، طعام به لفظ احتکار اضافه گردیده است، از بسبب مثال می باشد، زیرا با رزقترین مصداق احتیاج انسان در طعام ظهور پیدا می کند.

۱-۳ حکم احتکار:

اصولاً اساس هر مکتبی، بر مبنای احکام آن، پی ریزی گردیده است و قوام مکتب اسلام نیز، بر پایه احکام آن می باشد. احکام اسلامی به پنج دسته مباح، مکروه، حرام، مستحب و واجب تقسیم می گردد که در فقه اسلامی به آن، احکام خمس می گویند. کلیه اعمالی را که یک انسان در شبانه روز انجام می دهد، خارج از این احکام مذکور نمی باشد پس در جامعه اسلامی، برای هر فعلی، زیربنای شرعی وجود دارد و بر اساس آن مبناست که به عالمین، در دنیا و آخرت، پاداش و یا کیفر تعلق می گیرد. عدم توجه به مسائل زیربنایی، سبب سطحی نگری در موضوعات می گردد که بر اساس آن، به نتایجی که بایستی در اثر تجزیه و تحلیل ها، به آن رسید، هرگز و هرگز نمی توان به آنها دست یافت. پس باید توجه داشت، هر چیزی زیربنایی می خواهد و اگر زیربنا درست شد، میتوان بر روی آن، بنایی را احداث نمود. به عبارت دیگر، اگر ستونهای خانه در زیرسازی آن، بنحوصحیح انجام گرفت، در اینصورت می توان خانه را بر روی آن بنا نمود. احتکار نیز که از جمله مسائل اقتصادی است، برای بررسی صحیح و تحقیق در آن، اولین قدم لازم، همانست که

زیربنای فقهی آن پایه ریزی گردد و این زیربنا ساخته شود، تا آنکه بتوان بر روی آن، مسائل مربوط به خودش را مورد ارزیابی قرارداد. برای اینکه مطلب واضح شود، به یکی از انواع تقسیم حکم، اشاره می گردد:

بطور کلی احکام، تقسیمات گوناگونی دارند. یکی از تقسیمات آن، تقسیم حکم به اولی و ثانوی می باشد. احکام اولیه، احکامی هستند که اولاً و بالذات برای چیزی جعل شده باشند، یعنی عوارض دیگر، در این جهت، لحاظ نمی گردند، که در اینجا می توان، اکثر احکام تکلیفیه و وضعیه را مورد مثال قرارداد. احکام ثانویه، احکامی هستند که بواسطه عناوین خاصی که بر شئی، عارض می گردد، در حکم اولی آن تغییر ایجاد می گردد. بعنوان مثال، می توان گفت، آشامیدن آب، بعنوان اولی مباح می باشد ولی اگر برای نجات یافتن از مرگ باشد، بعنوان ثانوی واجب می گردد. اکثر احکام اولیه، واقع آنها، بخاطر عارض گردیدن عناوین ثانویه، تغییر پیدا می کنند. بدین ترتیب، ممکن است واجب به حرام، حرام به مباح، مباح به مستحب و... تغییر پیدا کند. (۱)

ملاحظه می کنیم که تقسیم بندی فوق، در خصوص احتکار نیز، مصداق پیدا می کند، یعنی برای احتکار، هم میتوان حکم اولی وهم می توان حکم ثانوی را در نظر گرفت. لفظ حرمت ربا، در قرآن کریم بطور صریح

۱- حکیم، محمد تقی، اصول العاظمه للفقهاء المقارن، چاپ دوم، انتشارات موسسه آل البيت، ۱۹۷۹م، ص ۷۴.

و روشن به چشم میخورد:

احل الله البيع و حرم الربا (۱). پس حرمت ربا، با لفظ تحریم، در قرآن آمده است ولی در مورد احتکار، با توجه به روایات و آیات موجود، چنین صراحت لفظی وجود ندارد. در اینجا فقهای عظام، در خصوص حکم احتکار، نظرات متفاوتی را ارائه نموده اند و در این خصوص، عده ای به حرمت وعده دیگری، به کراهت قائل شده اند و مما دیق آن را، متفاوت ذکر نموده اند. می بینیم، اصل اختلافی که در اینجا ناشی شده، بر اساس حکم اولی احتکاری باشد. بدین ترتیب، اگر ادعای کراهت پذیرفته گردد، در این صورت شیوه و نحوه زندگی با هنگامیکه ادعای حرمت پذیرفته می شود، کاملاً متفاوت می باشد، زیرا در این صورت حکم اولی احتکار متفاوت می گردد. در خصوص حکم ثانوی احتکار، می توان به قاعده "لا ضرر"، تمسک کرد. البته درست است که اصل ضرر زدن، بعنوان اولی حرام می باشد ولی کاربرد قاعده فوق، از طرف پیا میرا کرم صلی الله علیه و آله و سلم، در زمینه حکم ثانویه بوده است.

البته لازم به ذکر است که در زمان حاضر، با توجه به اوضاع و شرایط فعلی، به حکم حکومتی آن، که مبنی بر حرمت می باشد، اکتفاء می گردد. (۲) بایستی توجه داشت که حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، به فرزندانش، جناب حجة الاسلام حاج سید احمد خمینی، فرموده بودند: مجلس شورای اسلامی، می تواند بجهت فتوای حضرت آقای منتظری، در مسئله احتکار

۱- قرآن مجید، سوره بقره، قسمتی از آیه ۲۷۵.

۲- به فصل پنجم در صفحه ۶۷، رجوع شود.

عمل نماید. (۱)

البته با یستی توجه داشت، هنگامی که ضرورت در خصوص بکار گرفتن حکم حکومتی و یا حکم ثانویه، از زمین رفت، به حکم اولی نیاز داریم. انسان تا زمانی که سالم است، برای تقویت و رشد یافتن جسمانی، به غذا تمسک می کند ولی هنگامی که مریض شود نتوانست از غذا استفاده نماید، در این صورت از داروهای لازم، بهره برداری مینماید. حال اگر چنین انسانی، شفایافت، آیا باز هم می تواند برای بدست آوردن نیروی مادی خویش، از دارو استفاده نماید؟ مکتب اقتصادی اسلام نیز، دقیقاً همین وضع را در ادوار احکام حکومتی و یا ثانویه، فقط بعنوان مسکن می توان استفاده نمود و برای ادامه سیراقتصاد، با یستی از حکم اولیه استفاده نمود.

۱- آیه الله منتظری: حسینعلی، احتکار و قیمت گذاری، ترجمه آیه الله مجمدی گیلانی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷، ص ۴۰.